

توضیح

توضیح روابط عمومی دفتر دکترعارف درباره مصاحبه با«شرق»

دربی انتشار مصاحبه رئیس فراکسیون امید با روزنامه «شرق»، روابط عمومی دفتر محمدرضا عارف در نامه‌ای به مدیرمسئول روزنامه توضیحاتی را درباره فرایز از این مصاحبه ارائه داد. این فراز از مصاحبه این‌طور منتشر شده بود: «وقتی بنا شد که به یک نفر برسیم آقای خاتمی کارگروهی تشکیل داد و چهار کاندیدای اصلاح‌طلب در آن کارگروه حضور پیدا کردند. در آن مقطع آقای خاتمی گفتند که آقای روحانی را هم در این کارگروه قرار دهید. اما آقای روحانی نپذیرفت.» طبق نامه ارسال‌شده برای روزنامه «شرق» این بخش از مصاحبه چنین اصلاح می‌شود: «وقتی بنا شد در انتخابات سال ۹۴ به یک نفر برسیم آقای خاتمی کارگروهی را با حضور چهار کاندیدا یعنی عارف، جهانگیری، شریعتمداری و مهرعلیزاده تشکیل داد. در آن مقطع به جناب آقای خاتمی گفتم که آقای روحانی را هم در این کارگروه قرار دهید اما جناب آقای خاتمی نپذیرفت.» در این نامه تأکید شده که پیشنهاد حضور آقای روحانی در کارگروه مورد اشاره از سوی جناب آقای خاتمی پذیرفته نشد و به همین دلیل اصلا با جناب آقای روحانی مطرح نشد.

خبر

قائم‌مقام حزب عدالت و آزادی ایران:

یکی از شعارهای سازمان، شفافیت در عرصه پارلمان شهری است

● **شرق:**قائم‌مقام حزب عدالت و آزادی ایران گفت: ۲۵ مرداد سال جاری کنگره حزب سازمان عدالت آزادی ایران اسلامی با دو هدف اساسی برگزار خواهد شد.
امیر طاهری، روز یکشنبه در نشست خبری چهاردهمین کنگره این سازمان، اظهار کرد: ۲۵ مرداد سال جاری کنگره حزب سازمان عدالت آزادی ایران اسلامی با دو هدف اساسی مشخص شدن وظایف، تکالیف و اساس‌نامه درون‌سازمانی و در گام بعدی با هدف انتخابات درون حزبی، انتخاب اعضا و همچنین دبیرکل سازمان عدالت و آزادی برگزار خواهد شد.او با تأکید بر اینکه انتخاب دبیرکل سازمان هر دو سال یک بار صورت می‌گیرد، ادامه داد: ارائه گزارش دو سال گذشته برای مخاطبان، گردهمایی از تمام شعب و مناطقی که در سطح کشور وجود دارند، ۲۴ شعبه در ۲۴ استان هستند که از دیگر برنامه‌های این حزب است.طاهری با بیان اینکه گردهمایی حزب عدالت و آزادی در ۲۵ مرداد با حضور همه اعضا از تمام استان‌ها و درباره راهبرد و سیاست‌های جدید و طرح مباحثی متناسب با انتخابات مجلس و موضع‌گیری‌های صریح است، تصریح کرد: این کنگره با قطع‌نامه پایان می‌یابد که در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد و دست‌کم نیچی از اعضای سازمان باید در کنگره شرکت کنند تا رسمیت پیدا کند.او با اشاره به هدف سازمان عدالت و آزادی مبنی بر شفافیت در پارلمان شهری گفت: در این راستا تعدادی از اعضای سازمان موفق به ورود به پارلمان شهری شهرهای مختلف کشور شدند که یکی از شعارهای سازمان بحث شفافیت در عرصه شوراهای شهری است.
انتخابات به صورت الکترونیکی خواهد بود که برای انتخاب شورای مرکزی ۱۰ نفر اعلام آمادگی کردند.علی ناظم‌زاده، رئیس حزب عدالت و آزادی منطقه اصفهان، با اشاره به اینکه شعار اسمال حزب؛ اصلاحات در معنویت، عقلانیت و توسعه است، گفت: این چنین حزب خراج از پایتخت به دلیل وجود نخبگان و جوان‌پروربودن حزب است که ما به داشتن این مزیت افتخار می‌کنیم.

ادامه از صفحه ۳

واکنش قاضی‌عسکر به ادعای مرتضی رکن آبادی

آیا کافی نیست ۴۶۵ حاجی ایرانی کشته شده‌اند؟ به اینها قضایی را که آن روزها وجود داشت، هم اضافه کنید، افرادی مثل شهید رکن‌آبادی مفقود بودند و هر روز اخبار متناقضی دریافت می‌شد که ایشان از سوی دستگاه امنیتی عربستان سعودی روده شده و فضای بسیار آشفته و متلاطمی در این زمینه وجود داشت و به دستگاه دیپلماسی برای قطع رابطه خیلی فشار می‌آوردند یا معتقد بودند حداقل درباره اخراج تعدادی از دیپلمات‌های عربستان سعودی تصمیم گرفته شود؛ اما ما در چارچوب درست دیپلماسی و در مسیر عقلانیت کام برداشتیم و رفتاری مشابه رفتار غیرسازنده عربستان سعودی را در بدترین شرایطی که می‌توانستیم، انجام ندادیم؛ اما سعودی‌ها با گستاخی، سبک‌مغزی و ادبیات سخیف به جای آنکه درک درستی از مواضع حکومتی نظام داشته باشند، با رفتارناشناس سعی می‌کردند وضعیت نامناسب را تشدید کنند. در اینن فضا طبیعی است وقتی سخنگوی ما قرار است پاسخ دهد، باید دست‌کم پاسخی بدهد که تا حدودی پاسخ به بخشی از الفاظ سخیف به کار برده‌شده از سوی عادل‌الجبیر یا سعودی‌ها باشد.»

محسن مسرت: آمریکا در ماه می ۲۰۱۸ برجام را ترک کرد و از ماه می ۲۰۱۹ به بعد با اجرای کامل تحریم‌های خود سیاست حداکثر فشار علیه ایران را در دستور کار خود قرار داد و ماشین جنگ علیه ایران را به راه انداخت. دونالد ترامپ ریسمان راهبرد سلطه‌گری مطلق نومحافظه‌کاران را درست در همان جا دوباره محکم کرد که به آن با روی‌کارآمدن باراک اوباما قدری صدمه خورده بود. در حقیقت جهان در سال ۲۰۰۶ یعنی در آخرین سال صدارت جورج دبلیو بوش پسر به طور جدی در مقابل جنگی علیه ایران قرار گرفته بود؛ اگرچه اوباما با وجود ادعا‌های صلح‌جویانه در ابتدای حکومتش در زمینه ساخته و پرداخته‌شده پروژه آمریکایی قرن ۲۱ نومحافظه‌کاران باقی ماند؛ اما موفق شد از شدت اجرای این پروژه کمی بکاهد. برجام مهم‌ترین نتیجه تعدیل موقتی این پروژه بود که با کمک اوباما، اتحادیه اروپا، اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی و روسیه و چین در ژوئن ۲۰۱۵ به یک قرارداد بین‌المللی منتهی شد. به این شکل جو تنش‌زدایی و آرامش در جهان پس از فاجعه جنگ عراق برپد شد و جنگ علیه ایران موقتا به عقب افتاد. اینکه اتحادیه اروپا برای اولین‌بار در تاریخ موجودیتش فرصت پیدا کرد که درباره برجام در سیاست خارجی‌اش مستقل از آمریکا عمل کند، نیز تأمل‌برانگیز است و از اهمیت کمتری برخوردار نیست. این اتحادیه حتی موفق شد روند قرارداد را هدایت هم بکند.

اما نومحافظه‌کاران نه می‌توانستند با جو تنش‌زدایی در جهان یعنی در حقیقت با رکود صادرات تسلیحات نظامی انس پیدا کنند و نه با اینکه دولت مقتدری در خاورمیانه به حیات خود ادامه دهد که در جهت مخالف منافع آمریکا عمل می‌کند. به همین‌گونه هم ایران از این حقیقت که نیروهای غیرمسمو با آمریکا استقلال بیشتری در سیاست خارجی خود را تجربه کنند و اتحادیه اروپا را در درازمدت از وابستگی‌های گوناگون از آمریکا آزاد کند، نه‌فقط خشنود نبودند؛ بلکه این دورنما را به‌عنوان زنگ خطر جدی برای سلطه‌گری مطلق ایالات متحده تعبیر کردند. درحال حاضر اتحادیه اروپا زیر چتر هسته‌ای آمریکا قرار دارد و به این منوال امنیتش به سیاست‌های نظامی هسته‌ای آمریکا وابستگی کامل دارد. اتحادیه اروپا تابع ایجاد به‌اصطلاح امنیت انرژی از جانب آمریکا نیز هست؛ زیرا این ایالات متحده است که با حضور نظامی خود در منطقه تفخیز خاورمیانه همیشه می‌تواند نقش امنیتی خود در حفاظت و تأمین انرژی اروپا را به رخ اندازد و دیگر هم‌پیمانان غربی خود بکشد. علاوه‌برآن آمریکا با دلار به‌عنوان پول جهانی بر همه شریان‌های اقتصادی و نهادهای مالی اتحادیه اروپا تسلط دارد و همان‌طور که درباره

سیاست

نگاهی به نقش اتحادیه اروپا، آمریکا و ایران در پهنه جدید سیاست

ماشین جنگ به کدام سمت می رود؟



پوتین

اترپ

که حتی سرمایه‌داری و امپریالیسم اروپا را به زائده یا مستعمره خود تبدیل کرده است. اینکه سهم آمریکا از تولید جهانی نزدیک به ۲۰ درصد است؛ اما هزینه‌های نظامی‌اش ۵۰ درصد هزینه‌های نظامی جهان است، خود گویای این ادعاست؛ بنابراین نادیده‌گرفتن این تفاوت‌های ساختار درونی سرمایه‌داری جهانی به‌ویژه در ارتباط با جنگ جدیدی که از جانب آمریکا تدارک دیده می‌شود، خطایی نابخشودنی است؛ زیرا چنین نگرشی این نکته را که اتحادیه اروپا می‌تواند به عامل مهمی برای جلوگیری از جنگ علیه ایران تبدیل شود، به‌سادگی به کنار می‌زند. با تکیه به ارزیابی بالا راهبرد ترامپ با عنوان اول آمریکا که خروج از برجام و ریسک جنگ با ایران بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد، در افق جدیدی قرار می‌گیرد. از این زاویه می‌توان به نظر من درک دقیقی‌تر از خواسته‌های مراکز تعیین‌کننده و مسلط بر دستگاه سیاست‌گذاری پشت کاخ سفید را ترسیم کرد. مجتمع نظامی-صنعتی، حوزه سرمایه مالی و بخش صنایع انرژی هسته‌ای- فسیلی ایالات متحده به احتمال بسیار زیاد مصمم شده‌اند که با استفاده از همه امکانات از اینکه آمریکا موقعیت فعلی سرمایه‌داری مطلق خود را از دست بدهد، قاطعانه پیشگیری کنند. واضح است که ادامه حیات مجتمع صنعتی- نظامی آمریکا از ایجاد تشنج، بحران و جنگ در اقصا نقاط جهان تغذیه می‌شود. بخش سرمایه مالی ایالات متحده که در حقیقت غریب‌مولد است و فقط به کمک انتقال قدرت خرید بخش‌های مولد به حوزه بورس‌بازی به حیات خود ادامه می‌دهد و از این طریق سبب بی‌کاری وسیع و تشدید فقر در جهان است، نیز نمی‌توانست بدون سلطه‌گری مطلق آمریکا از این موقعیت استثنائی برخوردار شود. مضافا اینکه دلار به‌عنوان پول جهانی، بدون فشار سیاسی

برجام تجربه می‌کنیم، هر آن می‌تواند اتحادیه اروپا را به دنباله‌روی از تصمیمات سیاسی خود مجبور کند و حتی دست به تحریم‌های اقتصادی بزند. با تکیه به این وابستگی‌های ساختاری سه‌گانه، آمریکا اتحادیه اروپا را با وجود اینکه بر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان استوار است، به مجتمع سیاسی غیرفعال و عملا توخالی جهانی تبدیل کرده است. دراین‌صورت قدرت جهانی آمریکا و ضعف شدید اتحادیه اروپا دو طرف یک سکه‌اند. چنانچه زمانی اتحادیه اروپا قادر شود وابستگی‌های ساختاری خود را از ایالات متحده بزداید، در آن زمان قدرت سلطه‌گری مطلق این ابرقدرت جهانی مانند آسمان خراشی بی‌پایه فرو خواهد ریخت. دراین‌صورت است که راه برای ایجاد نظم جدید جهانی و تحول از یک‌قطبی به چندقطبی جهان با سه مرکز آمریکا، اتحادیه اروپا و چین هموار خواهد شد که این تحول الزاما به زمین‌برداشتن سلطه‌گری مطلق آمریکا خواهد انجامید. واضح است که ارزیابی مطرح‌شده در بالا با نظریه پوپولر و مرسوم در میان بخشی از تحلیلگران چپ که برای سرمایه‌داری و امپریالیسم اروپا و امپریالیسم آمریکا تفاوت‌های ساختاری قائل نمی‌شوند، کاملا مغایرت دارد. اینکه در هر دو مرکز برداشتهای جهانی قوانین بازار به‌ویژه حداکثرکردن سود، رقابت کشنده به ضرر نیروی کار و تعدیل بحران‌های ساختاری از طریق مدهای امپریالیستی به کار گرفته می‌شوند، واقعیتی انکارناپذیر است؛ اما این‌هم جزء واقعیت‌های جهان سرمایه‌داری است که امپریالیسم آمریکا به دلایل بسیاری و ازجمله نقش تعیین‌کننده سرمایه مالی، مجتمع صنعتی- نظامی، صنایع انرژی‌های هسته‌ای- فسیلی و به‌ویژه موقعیت منحصربه‌فرد دلار به‌عنوان پول جهانی مهابتیا از جنس دیگری است. آن‌گونه

شب تیره سرمایه‌داری و اسطوره بورژوازی ملی

مرکز و پیرامون است؛ اما درباره نقش بورژوازی ملی؛ در میان نام‌هایی که آقای اطهاری پشت سر هم قطار کرده است، به نام نیکوس پولاتزاس برمی‌خوریم. از قضا نیکوس پولاتزاس یکی از منتقدان پوپلارقرص «اسطوره بورژوازی ملی» است. در کتاب طبقه در سرمایه‌داری معاصر، به‌ویژه در فصل دوم، می‌توان نقدی یافت از دو برداشت متفاوت که وجه اشتراکشان دفاع از نقش پیشرو «بورژوازی به‌اصطلاح ملی» در کشورهای اروپایی در نیمه دوم قرن بیستم است؛ از یک طرف کسانی مانند بیل سوبیزی و هری مک‌گاف و از طرف دیگر، کسانی مانند آنرست مندل، بیل وارن و دیگران. در اینجا باید از خواننده به خاطر این اشارات گذرا عذرخواهی کرد؛ هدف فقط نشان‌دادن این است که با ردیف‌کردن چند اسم نمی‌توان هرگونه نقد آموزه «نقش بورژوازی ملی» در پیشرفت و ترقی اقتصادی-سیاسی را تخطئه کرد و آن را موضعی ناپخته و نشانه «چربی کودکانه» جلوه داد؛ بنابراین در پایان این بخش، صرفا به نقل فرازی از کتاب سوتوسعه (۱۹۹۰) نوشته سمیر امین بسنده می‌کنم. امین در فصل پنجم این کتاب، فصلی با عنوان «توسعه بدیل برای آفریقا و جهان سوم»، می‌گوید تاریخ نشان داده است که در زمانه ما بورژوازی ملی دیگر قادر نیست همان نقشی را ایفا کند که در اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن قرن نوزدهم ایفا کرد: «گسترش جهانی سرمایه‌داری، در پیرامون با نابرابری فزاینده توزیع اجتماعی همراه است، حال آنکه در مرکزهای نظام شرایطی را برای نابرابری اجتماعی کمتر و (ثبات توزیع به‌منابه مبنایی برای یک وفاق دموکراتیک) به وجود می‌آورد. آن‌تجابه بورژوازی پیرامون از کنترل فرایند انباشت محلی تاوان است و به‌این‌دلیل (فرایند) با محدودیت‌های انباشت جهانی تطبیق دهد، طرح استقرار یک دولت ملی بورژوایی به دلیل عوامل خارجی اساسا نامساعد، نه‌فقط دستخوش نقصان می‌شود، بلکه کلا ناممکن است؛ بنابراین دولت پیرامونی به سبب ضعف آن ضرورتا استبدادی است. این دولت برای بقا ناگزیر است از معارضه با نیروهای امپریالیستی مسلط اجتناب ورزیده و بکوشد تا موقعیت بین‌المللی خود را به حساب شرکای پیرامونی آسیب‌پذیرتر، بهبود بخشد. نتیجه اینکه دموکراسی اجتماعی و سیاسی و همبستگی بین‌المللی خلق‌ها اقتضا می‌کند که اسطوره «بورژوازی ملی» را رها کنیم و برنامه «ملی- بورژوایی» را با یک برنامه «ملی مردمی» جایگزین سازیم.» (این فصل از کتاب امین را سعید گازرانی ترجمه کرده است). یکی از نکات مهم این فراز اشاره‌ای است که امین به تفاوت جایگاه و نقش بورژوازی داخلی در جهان امروز با جایگاه و نقشش در اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن در قرن‌های گذشته می‌کند، این یکی دیگر از نکاتی است که کمال اطهاری نادیده می‌گیرد. در بخش دوم و آخر این نوشته به همین نکته می‌پردازم.

اطهاری برای دفاع از نقش «بورژوازی ملی» در ایران به آثار مختلف مارکس ارجاع می‌دهد. قبل از همه، به مانیفست. مارکس در دهه ۱۸۴۰، به شیوه‌ای «کراساتایی» که توسعه کشورهای پیرامونی می‌نگریست و بر این باور بود که سرمایه‌داری جهان «تصویری قرینه» از سرمایه‌داری کشوری مرکز را در کشورهای پیرامونی ایجاد خواهد کرد. اما برخلاف تصور کشوری مانند اودارد سعید یا به طریقی دیگر، سمیر امین، این اعتقاد که ناشی از «اطلاعات تاریخی اندک» از کشورهای پیرامونی در این دوره از حیات مارکس بود، در دوره‌های بعدی حیات فکری او، جرح و تعدیل و سرانجام کاملا دگرگون شد. کوین اندرسن در کتاب مارکس و جوامع پیرامونی (ترجمه حسن مضرئو) نشان داده است که مارکس در گوندربوسه که کاپیتال از آن دیده‌گاه «کراساتایی» فاصله گرفته و گونه‌ای نظریه جدید «چندراستایی» را بسط

و قدرت نظامی آمریکا، به‌خصوص برای کنترل همه منابع نفتی و تجارت جهانی نفت بر پایه دلار و به همین دلیل هم کوشش هدمفندانه جنگ با ایران و حتی نابودی و چندتکه‌شدن آن برای پیشگیری از خطر احتمالی، نمی‌تواند در درازمدت موقعیت انحصاری فعلی و تسلط بر همه شریان‌های بانکی و اقتصادی جهان را داشته باشد. علاوه بر این، در حوزه اقتصادی و صنایع هسته‌ای- فسیلی آمریکا نیز با توجه به مشکلات حل‌ناشدنی ایمنی انرژی هسته‌ای و تشدید بحران جهانی آب‌وهوا با ادامه استفاده از منابع فسیلی که در ردیف صنایع میرنده به شمار می‌آیند، جزء نیروهای پروپاقرص و بدون قیدوشرط سلطه‌گری مطلق آمریکا هستند؛ زیرا اینها فقط به‌سبب زمین سلطه‌گری می‌توانند الگوی هسته‌ای- فسیلی را به سایر کشورهای سرمایه‌داری تحمیل کرده و ادامه حیات خود را برای چند دهه بیشتر تأمین کنند؛ اما آمریکا برای حفظ موقعیت سلطه‌گری مطلق خود، به دستگاه عظیم نظامی با بیش از ۸۰۰ پایگاه در کره زمین احتیاج دارد. آنها به کمک مجتمع صنعتی نظامی و صدها اندیشکده، الزاما دانما مشغول ایجاد درگیری، تشنج، هرج‌ومرج و جنگ در جهان هستند. به همین منظور نیز دولت آمریکا تلاش به تهییج غریزه‌های نژادپرستانه و ایجاد وحشت از دشمنان ممنوعی در داخل دارد که ترامپ از ابتدای رئیس‌جمهوری خود و به‌ویژه در دوران مبارزات انتخاباتی دوره آینده رئیس‌جمهوری، این روش‌ها ازجمله توهین هدفمند و مستقیم به نمایندگان سیاه‌پوست عضو حزب دموکرات و کنگره آمریکا را اساس تبلیغات خود قرار داده است. به این منوال، آنچه در ظاهر به صورت اعمال محاسبه‌نشده ترامپ و بیماری ذهنی او نمایان است، در حقیقت نمود راهبرد کاملا دقیق و حساب‌شده مراکز قدرت نام‌برده در بالاس که ترامپ تحت لوای راهبرد اول آمریکا، قاطعانه این هدف را دنبال می‌کند تا این مراکز شالوده سلطه‌گری مطلق آمریکا را به‌هیچ‌وجه از دست ندهند و وابستگی‌های سه‌گانه نظامی، مالی- پولی و انرژی هم‌پیمانان غربی خود و به‌خصوص اتحادیه اروپا را به کمک امکانات صنعتی‌محکم کند. خروج آمریکا از پیمان‌نامه تغییر آب‌وهوا در پاریس، لغو پیمان‌نامه آی‌ان‌اف که تاکنون مانع گسترش موشک‌های دوربرد می‌شد و به‌ویژه خروج از برجام با وجود الزام قانونی پیروی از آن، همگی در این راستا قرار دارند. در همین راستا نیز می‌توان کوشش‌های ترامپ را در به‌کارگرفتن اهرم دلار تعبیر کرد که وی این اهرم را برای ایجاد فشار حداکثری بر طرف‌های معاملات بازرگانی آمریکا ازجمله هم‌پیمانان غربی‌اش در دستور کار خود قرار داده است.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۵

۲۰ هزار خیریه بدون ناظر واحد

۴ این گفته را که «تعداد آنان کم است»،

براساس چه برآوردی می‌فرمایید؟

براساس گزارش‌ها، خبرها، دستگاه‌ها و مردم.

۴ چه دستگاه‌هایی؟

همه دستگاه‌هایی که گزارش رسمی ارائه می‌دهند و حسابرسی انجام داده‌اند.

۴ تاکنون دستگاهی به موضوع پول‌شویی مؤسسات خیریه ورود داشته یا مؤسسه‌ای به دلیل تخلف منحل شده است؟

اطلاع دقیق ندارم، شاید هم باشد.

۴ پس برچه اساسی تأکید دارید که تعداد متخلفان اندک است؟

باید چند کانال را در نظر بگیریم. اول اینکه دستگاه ناظر که قانون آن را مکلف کرده، نظارت می‌کند. هنگامی که افراد برای اخذ مجوز اقدام می‌کنند، آنها بررسی می‌شوند. انگشت‌نگاری، بررسی سوء‌پیشینه و رصد درآمدی انجام می‌شود؛ سپس عضویت آن فرد در هیئت‌مدیره پذیرفته می‌شود. همه اعضای هیئت‌مدیره و مسئولان مؤسسه بدون استثنا کنترل می‌شوند.

۴ این شرایط اولیه برای ورود قانونی است. افرادی هستند که خارج از ضوابط از رانت امضاهای طلایی استفاده کرده و اساسا گرفتن مجوزشان از ابتدا با این رانت همراه است و خارج از چارچوب مجوز می‌گیرند.

اول آنکه یک دستگاه ناظر وجود دارد. دوم مؤسسه یک هیئت‌مدیره دارد. این هیئت‌مدیره یک فرد نیست، بلکه هیئت‌انما و هیئت مدیران و بازرسان خزاندهار مجموعه‌ای از افراد هستند که پاسخ‌گوی عملکرد خواهند بود. سازمان مالیاتی نیز هر سال همه مؤسسات خیریه را ارزیابی و بررسی می‌کند تا بتواند بگوید به فعالیت‌هایی که در خیریه انجام می‌شود، مالیات تعلق می‌گیرد یا خیر و اگر می‌گیرد، چه میزان خواهد بود. منبع مالی دیگر که به صورت عملکرد خواهد بود. سازمان مالیاتی نیز هر سال همه مؤسسات خیریه را ارزیابی و بررسی می‌کند تا بتواند بگوید به فعالیت‌هایی که در خیریه انجام می‌شود، مالیات تعلق می‌گیرد یا خیر و اگر می‌گیرد، چه میزان خواهد بود. منبع مالی دیگر که به صورت حساب، مالی تأمین می‌شود، از طریق کارت‌های بانکی، حساب‌ها، حتی صندوق‌ها و دفای مجازی وارد شده که حساب آنها نیز ثبت می‌شود. افراد نمی‌توانند برای مؤسسه به اسم خودشان حساب باز کنند؛ چون این تمام نشود، بانک حساب مؤسسه مربوطه را می‌پندد و مسئولان مؤسسه مجددا با اوراق و اسناد باید ثابت کنند که فعالیت مؤسسه به طور قانونی انجام داشته باشد؛ هرچند همه این کنترل‌ها و نظارت‌ها انجام می‌شود؛ البته با وجود تمام این کنترل‌ها و نظارت‌ها ممکن است خلاف اتفاق بیفتد.

۴ شما می‌فرمایید سازمان مالیاتی نظارت دارد اما سازمان مالیاتی از منظر خود به موضوع عملکرد مؤسسات ورود می‌کند و به سایر تخطفات ورود نخواهد کرد؟

پول‌شویی یک فعالیت پنهان است. چیزی نیست که شما آن را ببینید و دریابید و با آن برخورد بکنید یا نکنید. اگر پیرسیم آیا ممکن است پول‌شویی اتفاق افتد؟ خب بله، پول‌شویی در هر شرکتی و توسط هر شخص و کارمندی در هر سمتی ممکن است انجام شود. آیا مؤسسات برای پیشگیری از این فعالیت‌ها سازوکاری ترتیب داده‌اند؟ بله، ولی به این معنی نیست که هیچ اتفاق منفی‌ای در آن نمی‌افتد. اما عدد این اتفاق بسیار کوچک است. مؤسسات خیریه منابعشان وقف و کمک مردمی است. اگر بپرسید آیا ممکن است یک مؤسسه از صد کیلو برنج که به آن داده شده ۱۰ کیلو را به نیازمند ندهد و از آن سوءاستفاده کند؟ خب بله ممکن است. ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم اما اینکه آیا برای جلوگیری از آن ترتیبی داده شده است، بله. گزارش‌دهی منظم سازوکار آن است. مؤسسه‌ای که پول می‌گیرد، باید رسید بدهد و برای اعطای کمک نیز سند ارائه کند. اینکه گروهی در خیابان جلوی افراد را می‌گیرند و از آنان می‌دهند و لازم است با آنان برخورد شود. مؤسسات به‌هیچ‌وجه مجاز به جمع‌آوری کمک به این سبک نیستند. بنابراین همیشه احتمال بروز تخلف وجود دارد. یکی از ضوابط مؤسسات خیریه این است که از محل کمک‌های مردمی حق ندارند حقوق پرداخت کنند. کمک‌های مردمی با هدف مشخصی جمع‌آوری می‌شوند. مثلا وقتی پولی به‌منظور خرید گوشت برای فقرا جمع‌آوری می‌شود، نمی‌توان آن را صرف خرید دیگری کرد. از این‌رو تمام فعالیت‌ها باید کنترل شود؛ ما با کنترل موافق هستیم.

۴ مورد خیریه‌ها مشکل اصلی نبود متولی واحد برای نظارت و پاسخ‌گویی است. مثلا دیوان محاسبات بر عملکرد دولت نظارت دارد اما برای نظارت بر خیریه‌ها هیچ ارگان یا سامانه و دستگاه ناظر مشخصی وجود ندارد.

دستگاه‌های مجوزدهنده و همچنین سازمان مالیاتی کشور به‌عنوان دستگاه‌های ناظر شناخته می‌شوند.

۴ فکر نمی‌کنید بهتر این بود سامانه‌ای تشکیل شود تا همه مؤسسات زیرمجموعه این سامانه فعالیت کنند؟ چون برای نهادهای حمایتگر دولتی مجلس اسناد در تبصره ۱۸ چیزی شبیه به این را تصویب کرده است.

این کار بسیار خوب است. امیدوارم اجرا شود.

۴ فکر می‌کنید اگر این سامانه تشکیل شود، مقاومتی برای پیوستن به آن صورت گیرد؟

نه به‌هیچ‌عنوان ما آماده هر نوع همکاری برای اجرای آن هستیم.

ادامه در صفحه ۱۴